

# بختی

دو باره مفهوم جغرافیای تاریخی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی  
بقلم

سرنیک جهانگیر قائم مقامی

(دکترا تاریخ)

هرالم  
۲۲۵۷۹

از طرف اداره سیاهی ایدولووردی مدرسه دیرترک ایش

پنجاهه مدرسه فیضیه قم امیرایردو وقف گردیده تاریخ ۲۵

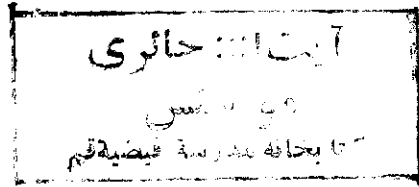
بیج الادل ۱۴۰۱ قره برابره ۱۲ الر ۵۹ هجری ۶

الامهر حجیبی المرآة غفر

آیت ائمه حانری  
موسس  
بناخانه مدرسه فیضیه قم

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی



## پیشگفتار

چندیست که در مطبوعات فارسی بموضوع جغرافیای تاریخی توجه خاصی شده است و کتابها و رسالات و مقالاتی زیر عنوان جغرافیای تاریخی يك ناحیه و یا يك شهر انتشار مییابد. اما آنچه بیش از این باید مورد توجه قرار گیرد ، انتظار است که محققان تاریخ و جغرافیا از این نشریات دارند و متأسفانه خواستهای خود را در بیشتر آنها نمی یابند .

در این باره باید گفت ، علت این امر ظاهرآ عدم آشنائی نویسندگان و مؤلفان این نشریات با مفهوم و ضوابط جغرافیای تاریخی است و بهمین سبب مجله بررسیهای تاریخی که نشان دادن روش کار در پژوهشهای تاریخی را از هدفهای اصولی خود میداند و در طول هفت سال انتشار خویش نیز همیشه از همین هدف پیروی نموده است ،

این بار نیز لازم دید با انتشار مقاله جامع و مستدل سرکار سرهنگ دکتر جهانگیر قائم مقامی که موضوع سخنرانی ایشان درسومین کنگره تحقیقات ایرانی در دانشگاه تهران بوده است، گام دیگری درراه انجام وظیفه اصولی خود بردارد .

باامتنان ازهیئت مدیره کنگره تحقیقات ایرانشناسی که اجازه دادند، متن سخنرانی مزبور، پیش ازانتشار در مجموعه سخنرانیهای کنگره، در مجله بررسیهای تاریخی بچاپ برسد، یقین است محتویات مقاله منطقی و مستدل سرکار سرهنگ قائم مقامی ضمن ارائه مفهوم جغرافیای تاریخی، ضوابط اصولی را که برای تدوین کتاب یا رساله ویا مقاله‌یی درزمینه جغرافیای تاریخی لازم است نیز بدست خواهد داد .

بررسی‌های تاریخی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## بحثی درباره مفهوم جغرافیای تاریخی

از تفسیر و تعریف‌های  
گوناگونی که برای مفهوم  
جغرافیای تاریخی ارائه شده و  
از کتابها و رسالاتی که تا کنون  
بفارسی زیر این عنوان انتشار  
یافته است، بسبب تضاد عقاید و  
اختلاف نظری که میان محققان  
موجود است اینطور استنباط  
میشود که هنوز مفهوم جغرافیای  
تاریخی درست شناخته نشده  
است:

در دائرة المعارف‌های  
فرانسوی برای جغرافیای تاریخی  
تفسیر خاصی ارائه نشده است  
ولی در تعریف کلمه جغرافیا و  
شرح رشته‌های مختلف آن،  
ضمن ذکر عوامل جغرافیای  
انسانی اشاره‌هایی به رویدادهای

سرنگت جهانگیر قائم مقامی

(دکتر دیانج)

تاریخی» میکنند. از جمله دائرةالمعارف کی به Quillet دراستنتاج از این تفصیل، مینویسد «میان جغرافیاهای تاریخی، سیاسی و اقتصادی و همچنین بین آنها بارشته‌های دیگر جغرافیا، ارتباط بسیار نزدیکی مشابه روابطی که بشر را بازمین مرتبط میسازد، موجود است»<sup>۱</sup> و بر این پایه، بوجود رشته‌یی از جغرافیا بنام جغرافیای تاریخی قائل است و آنرا ضمن آنکه تلویحاً جزو جغرافیای انسانی می‌شمارد، با جغرافیاهای سیاسی و اقتصادی و طبیعی نیز بسیار نزدیک میدانند.

در نسخه خلاصه همین کتاب که بوسیله هیأت دیگری تدوین گردیده نوشته شده است: «جغرافیای تاریخی شعبه‌یی از جغرافیای انسانی است و در آن از تقسیم و انتقال نژادها، اختلاط ملل، زبانها و تمدن‌ها گفتگو میشود».

در دائرةالمعارف لاروس این موضوع بسکوت بر گزار شده و دائرةالمعارف بریشانیکا مینویسد: «مفهوم جغرافیای تاریخی شرح تغییرات عوامل جغرافیائی است در طول زمان»<sup>۲</sup>.

و اما اگر مبنای تشخیص را بر مندرجات کتابها و رسالاتی که تا کنون بفارسی زیر عنوان «جغرافیای تاریخی...» منتشر شده است بگذاریم، بساید گفت جغرافیای تاریخی يك شهر و یا يك ناحیه عبارتست از شرح موقع جغرافیائی آن شهر و ناحیه، تاریخ احداث شهر، ذکرها آثار و بناهای تاریخی، تراجم احوال شعرا و نویسندگان و علما، قبایل، و تاریخ حوادثی که در آن شهر و ناحیه روی داده است. و حال آنکه جمع این مباحث همان تاریخ آن شهر و ناحیه است و اگر خواسته باشند تاریخ مطلق آن شهر و یا آن ناحیه را بنویسند، بی گمان همان مطالب را بی کم و کاست باید نوشت. زیرا تاریخ بمفهوم کامل و جامعش یعنی شرح و تفصیل فرهنگ و تمدن بشر در اعصار گذشته و بیان

۱- ص ۲۳۰۶، چاپ پاریس سال ۱۹۵۵.

۲- جلد دهم، ذیل کلمه جغرافیا.

حوادث و رویدادهائی که برای بشر در طول زمان و بر بستر زمین روی داده و موجب پیدایش آن فرهنگ و تمدن و تغییرات آن شده است .

بنابراین ، آنچه را که غالباً زیر عنوان جغرافیای تاریخی يك شهر و يايك ناحیه میخوانیم در حقیقت تاریخ مطلق آن محدوده جغرافیائیست و باید آنها را تاریخ ناحیه‌یی یا محلی خواند نه جغرافیای تاریخی .

حال به بینیم این تشتمت آراء و اختلاف عقاید برای چیست ؟  
تا آنجا که میتوان گفت ، این تضاد عقاید معلول يك تسامح کلی و بعد بچند علت است :

نخست اینکه ، مباحث تاریخ و جغرافیا با آنکه هر يك دانشی جدا گانه و مستقلند ، پیوستگی های بسیار استوار با یکدیگر دارند و در پاره‌یی از موارد هم بقسمی با یکدیگر ممزوج و ترکیب میشوند که تفکیک آنها از یکدیگر کار دشواریست و این وضع خود بدین سبب است که اولاد گذشته های دور ، جغرافیابعلت اینکه گسترش و توسعه‌یی نداشت بصورت يك علم شناخته نمیشد و جزو تاریخ بشمار میآمد ثانیاً چون زمین محدوده جغرافیائیست و خود بستر رویدادها و حوادثیست که مضمون و محتوای تاریخند ، توصیف وقایع و محل وقوع آنها همیشه لازم و ملزوم یکدیگر است .

علت دوم اینست که مؤلفان این کتابها ، جغرافیای تاریخی را مبحثی از تاریخ دانسته اند و تحت تأثیر مفهوم کلیت تاریخ ، جغرافیای تاریخی را هم با شرح تاریخ يك محدوده جغرافیائی یکی دانسته اند در صورتیکه جغرافیای تاریخی رشته‌یی خاص از جغرافیاست و جغرافیائیست که تطورات بستر زمین بر اثر گذشت زمان و مداخلات بشر ، در آن مورد بحث است . و اگر به تر کیب دستوری اصطلاح «جغرافیای تاریخی» هم توجه شود آشکار میگردد که جغرافیای تاریخی يك ترکیب صفت و موصوف است که کلمه تاریخی در آن صفت است و لفظ جغرافیا را توصیف میکند و همانگونه که جغرافیای

طبیعی، جغرافیای سیاسی، جغرافیای اقتصادی، جغرافیای انسانی و بالاخره جغرافیای نظامی که ترکیبی از صفت و موصوفند حاکی از مباحثی خاص از جغرافیا می‌باشند که در آنها جغرافیا از دید طبیعت، سیاست، اقتصاد و اجتماع و نظام ارتشی مورد بحث قرار می‌گیرد، در جغرافیای تاریخی هم شناسایی زمین از نظر تأثیر گذشت زمان و تطورات و مداخله بشر در آن، بررسی می‌شود. بنابراین در مبحث جغرافیای تاریخی، اصل جغرافیایست نه تاریخ و مواد و مصالح مورد بحث در آن عوامل جغرافیائی هستند نه مواد تاریخ.

سوم اینکه اصطلاح «جغرافیای تاریخی» که چند سالی پیش نیست در ایران رواج یافته، ترجمه تحت‌اللفظی عبارات Géographique historique فرانسوی و Historical Geography انگلیسی است که در تفسیر لفظ «تاریخی» آن‌اندکی مسامحه شده است باین معنی که آنرا بمفهوم تاریخ مطلق دانسته‌اند و حال آنکه واژه Historique فرانسوی و Historical انگلیسی ضمن چند معنی متعددی که دارند، بمعنی زمانی که درباره آن زمان مدارک تاریخی موجود است نیز هست و در اینصورت مناسبتر است گفته شود مراد از جغرافیای تاریخی، جغرافیایست که در طول دوره تاریخی در آن باره باید بررسی شود و طبیعی است در این حالت از رویدادها و حوادثی تاریخی هم که فقط موجب تطورات و تغییرات آن ناحیه و سرزمین شده است صحبت خواهد شد.

بر اساس آنچه گفته شد، جغرافیای تاریخی یک شهر و یک ناحیه باید شامل شرح کلیه تغییرات و تطورات جغرافیائی آن شهر و آن ناحیه بمفهوم اعم آن در طول تاریخ باشد، یا بعبارت دیگر در جغرافیای تاریخی، یک شهر و یک منطقه جغرافیائی از نظر تمام رشته‌های جغرافیا، در طول تاریخ مورد بحث قرار می‌گیرد و همینکه بزمان حال برسد، بحث جغرافیای تاریخی پایان می‌یابد و جغرافیای مطلق آغاز می‌شود.

در اینجا بی‌مناسبت نیست توضیح بیشتری گفته شود:  
در جغرافیای طبیعی یک منطقه از شکل طبیعی زمان حال آن منطقه شامل



یست و بلندپایه‌ها، رودها، آب‌وهوا و مطالب دیگر صحبت می‌شود ولی در جغرافیای طبیعی تاریخی آن منطقه، از شکل قدیمی آنها و تغییراتی که بمرور زمان در شکل هر یک از آنها پدید آمده است مانند تغییر مسیر رودخانه‌ها، خشک شدن دریاچه‌ها، افزایش سطح زمین کرانه دریاها و دریاچه‌ها، پیدایش جزایر، بوجود آمدن خلیج‌ها و مردابها، تبدیل نواحی جنگلی به بیابانها، اثرات زلزله‌ها، سیلها و طغیانها صحبت می‌شود.

در جغرافیای سیاسی از وضع تقسیمات اداری و جمعیت و مرزها و حدود امروزی یک ناحیه گفتگو میشود و جغرافیای سیاسی تاریخی، شامل شرح پس و پیشرویهای مرزها، احداث شهرها، متروک ماندن آبادیها، افزایش و یا کاهش جمعیت شهرها و تطورات و تغییراتی که در وضع تقسیمات سیاسی آن ناحیه در طول قرون متمادی حاصل شده است؛ میباشد.

در جغرافیای اقتصادی، بحث از زمینه حاضر اقتصادیات یک ناحیه شامل معادن، کشاورزی، دامداری، بهره‌برداری از آبها و تأسیسات آبرسانی، برق و صنایع امروزی آن ناحیه است ولی در جغرافیای اقتصادی تاریخی، بررسی تغییرات این عوامل از قدیمترین ایام مورد بحث خواهد بود بطور مثال از تغییرات سطح کشتزارها، رواج محصولات جدید و یا متروک شدن محصولات دیگر، احداث تأسیسات آبرسانی (بندها، مجاری آبها، تلمبه‌خانه‌ها، چاههای عمیق، قنوت و کاریزها) و یا خراب شدن و متروک ماندن آنها و امثال آن گفتگو میشود.

و بالاخره در جغرافیای انسانی، صحبت از روابط امروزی انسانها با محیط طبیعی زیست آنهاست و چون از نظر تاریخی بررسی شود روابط دیرین انسانها با آن محیط و سیر تحول آن روابط مورد بحث است و همچنین، مردمانی که در آن ناحیه سکونت داشته‌اند و بمرور زمان پراکنده شده یا مهاجرت کرده‌اند و یا هنوز باقی هستند و آثاری که از خود بجای گذاشته‌اند مورد بررسی و تعمق خواهد بود.

بنابراین جغرافیای تاریخی منحصرأ شعبه‌یی از جغرافیای انسانی نیست بلکه فصل مشترك همه‌رشته‌های جغرافیائی میباشد.

اینك باز كر چند مثال میتوان بامحتوا و مفهوم جغرافیای تاریخی بیشتر و بهتر آشنا شد:

وقتی از دریای خزر که روزگاری از جانب مشرق بدریاچه امروز آرال متصل بوده و سپس از یکدیگر جدا شده‌اند و یا از مسیر رودخانه جیحون که روزی مصب آن دریای خزر بود و امروز بدریاچه آرال میریزد بحث کنیم و یا گراز شبه جزیره میانکاله که در روزگارن پیش وجود نداشته ولی بمرور ایام و بر اثر خشک شدن آب دریای خزر پدید آمده و خود موجب پدید آمدن خلیج میانکاله گردیده گفتگو کنیم و باز اگر باستناد مندرجات سفر نامه سرتوماس هربرت Sir Thomas Herbert که در زمان شاه عباس اول (۹۹۶ - ۱۰۲۷ ه - ق) شهر اشرف از مستحدثات شاه عباس را دیده بود و مینویسد فاصله آن تا خلیج میانکاله دو میل است<sup>۳</sup> و سیصد سال بعد رابینو Rabinو فاصله آن شهر راتا خلیج مزبور پنج میل نوشته و نیز به تصریح گفته است: از مساحت این خلیج در ظرف ۶۰ سال اخیر بسیار کاسته شده است،<sup>۴</sup> بحث کنیم، بحث ما بحثی از جغرافیای طبیعی تاریخی این نواحی است و یا گراز موضوع مورد پژوهش، خوزستان باشد، شرح اینکه خوزستان از نظر تقسیمات سیاسی در دوره‌های پیش از اسلام بچهار بخش تقسیم میشد<sup>۵</sup> و در سده‌های اولیه اسلامی شامل هفت بخش یا هفت کوره بوده<sup>۶</sup> و از بعد از ایلخانان تا آغاز سلسله قاجاریه کلاً جزو حکومت فارس و در دوران قاجاریه باز زمانی جزو قلمرو فارس، هنگامی ضمیمه حکمرانی لرستان، مدتی سر جمع حکمرانی

۳- ابوالقاسم طاهری: جغرافیای تاریخی گیلان و مازندران و آذربایجان از نظر جهانگردان، ص ۹

۴- سفرنامه رابینو باسترآباد و مازندران ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی ص ۹۱ .

۵- استرابون: جغرافیا ص ۱۳۰

۶- مقدسی: احسن‌التقسیم فی معرفة الاندلیم ص ۹۵ و سایر کتابهای جغرافیائی و مسانک و ممالک.

کرمانشاهان بوده و چند سالی هم با کوه گیلویه یک واحد سیاسی و اداری را تشکیل میداده است ، قسمتی از جغرافیای سیاسی تاریخی خوزستان است. و همچنین هنگامی که دربارهٔ مسیر رودخانه کارون و تغییرات متوالی شعبه های آن تحقیق کنیم و باین نتیجه برسیم که رودخانه کارون از زمان ساسانیان در محلی بالاتر از شوشتر بدو شعبه تقسیم میشده و یکی از آن دو که بعدها بترتیب بنامهای آب مسرقان ، دودانگه و گرگر نامیده شده ، بطوریکه ابن خردادبه ( ۵۲۵۰ ق ) نوشته است در قرن سوم هجری با مسیری جداگانه پس از گذشتن از دهستانهای مسرقان و عسکر مکرم و اعواز و دورق ، مستقیماً بدریا میریخته<sup>۷</sup> و یک قرن بعد در اواخر قرن چهارم ، بموجب ضبط استخری<sup>۸</sup> ( ۵۳۴۰ ق ) و ابن حوقل<sup>۹</sup> ( ۵۳۶۷ ق ) مسیر آن ، بعد از عسکر مکرم بجانب مغرب منحرف شده و کمی بالاتر از رامهرمز به شعبهٔ دیگر و سپس به رود دز پیوسته است و یا وقتی به افزوده شدن سطح زمینهای ساحلی خلیج فارس و پیشرفت دلتای کارون و شط العرب که بنا به تحقیقات راولنسن Rawlinson در ازمنه قدیم در حدود یک مایل درسی سال و در زمان خود او یعنی در اواسط قرن نوزدهم در حدود یک مایل در هفتاد سال بوده است اشاره کنیم و همچنین زمانی که از آبادانی قدیم دشت میشان که در کتابهای قدیم نام آن را دستمیسان ضبط کرده اند و سپس از ویرانی آن<sup>۱۰</sup> صحبت کنیم و بگوئیم نخلستانهای آن تا اوائل قرن دوازدهم هجری هم باقی بوده و سید نعمت الله جزایری که در سال ۱۰۸۷ هجری قمری از جزایر به خوزستان مهاجرت می کرد آنها را بچشم دیده و در سفرنامهٔ خود در بارهٔ آنها نوشته است که سراسر آن منطقه را نخلستان می پوشانیده ولی امروز بیابانی خشک میباشد و یا از هزار ع پر عرض

۷- المسالك و الممالك ص ۱۷۹ .

۸- المسالك ص ۸۹ .

۹- صوره الارض ۲۴ و نقشه ص ۲۳ در همان کتاب ، چاپ بنیاد فرهنگ .

۱۰- یاقوت حموی : معجم البلدان ج ۴ صفحه ۵۹۹ و مقدسی : احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم

ص ۴۰۷ .

وطول نیشکرو و تأسیسات آبرسانی خوزستان مثل سدها و مجاری آب و کانالهای زمان ساسانیان و تغییرات متوالی آنها که بر اثر کاوشها و پژوهشهای باستان شناسان فرانسوی مسیر همه آنها مشخص و نقشه آن نیز رسم شده است گفته شود از جغرافیای تاریخی خوزستان صحبت شده است.

این بود مفهوم جغرافیای تاریخی و ضوابطی برای تدوین جغرافیاهای تاریخی و بنابراین، چنانچه بر روی برخی از کتابها و رسالات که بعنوان جغرافیای تاریخی نوشته شده اند مانند «جغرافیای تاریخی لرستان»<sup>۱۱</sup> و «جغرافیای مفصل تاریخی غرب ایران»<sup>۱۲</sup> که اولی علی‌الاصول میان جغرافیای امروز لرستان و جغرافیای تاریخی آن سرزمین تفاوتی قائل نبوده و نویسنده کتاب دوم پس از نگارش سه بخش مفصل درباره جغرافیای طبیعی و سیاسی و انسانی زمان حاضر غرب ایران (در ۱۹۰ صفحه) در بقیه کتاب زیر عنوان جغرافیای تاریخی، فقط بند کر مختصری از آثار تاریخی و بناها و ویرانه‌های قدیمی این ناحیه پرداخته است، خط بطلان کشیده شود چندان مبالغه نشده و همچنین بهتر است کتاب «جغرافیای تاریخی گیلان و مازندران و آذربایجان»<sup>۱۳</sup> را هم با آنکه نویسنده آن تا اندازه‌ای بمفهوم جغرافیای تاریخی آشنا بوده است.<sup>۱۴</sup> «گیلان، مازندران و آذربایجان از نظر جهانگردان» بنامیم نه جغرافیای تاریخی این نواحی. و اما از جانب دیگر نیز باید گفت اگر کتاب «جغرافیای تاریخی سرزمینهای خلافت شرقی» تألیف خاورشناس انگلیسی لسترنج و تذکره جغرافیای تاریخی تألیف بارتلد و جغرافیای تاریخی خوزستان تألیف سید محمد علی امام شوشتری را نمونه‌هایی بسیار خوب بدانیم گزافه گوئی نشده است و البته یکی دو رساله دیگر هم تألیف شده است که چندان مغایر با روش تحقیق جغرافیای تاریخی نیست ولی بمنظور اختصار کلام، از ذکر آنها خودداری میکنم.

۱۱- تألیف علی محمد ساکی چاپ خرم آباد سال ۱۳۴۳.

۱۲- تألیف دکتر بهمن کریمی چاپ تهران سال ۱۳۱۷.

۱۳- تألیف ابوالقاسم طاهری چاپ تهران سال ۱۳۴۷.

۱۴- رنگ به پیشگفتار آن کتاب.